ادامه از صفحه ۱۳

مصباحی: چه کسی باید در بخش خصوصی برای ساخت سریال کمک کند؟

در ادامه آیدا مصباحی قبل از اینکه معینی بخواهد صحبت‌هایش را ادامه دهد با بیان اینکه آدرس غلط به دوستان ندهیم، می‌گوید: «بحث حمایتی شوخی است. در همه ۳۰۰ و خرده‌ای که می‌فرمایید حداقل که من از نماوا و فیلم‌نت مطلع هستم، ۱۰۰ درصد بخش خصوصی، هزار تومان حمایت دولتی نداشته است و حتی ما تا سال گذشته برای ممیزی کردن‌ها پول می‌دادیم. یعنی این بسته‌های حمایتی قدری جنس پلتفرم‌هایی است که سریالی خداتومان هزینه می‌شود و دستمزدهایی که اتفاق می‌افتد. تنظیم‌گری به نظرم در اینجاها به درد می‌خورد که به‌عنوان بال ما باشد تا هزینه‌های ما سربه‌فلک نگذارد. طوری که برخی مواقع تماس می‌گیریم که چرا باید این مقدار پول برای تولید یک سریال پرداخت کنیم؟ هرچند اگر فردا آقایان میرطاووسی، آقای شانه‌ساز و... نخواستند پول خود را در حوزه فرهنگ خرج کنند، چه کسی باید بسازد؟ من به‌عنوان تهیه‌کننده بخش خصوصی چطور باید فیلم بسازم؟ فیلمی سینمایی که الان باید ۱۷-۱۶ میلیارد تومان برایش هزینه کنید و سریال بیشتر از این است. این بسته معیشتی برای ۳۷۰ و خرده‌ای است که ثبت شده است که این بسته‌ها را دریافت کند وگرنه در تعریف کلی پلتفرم‌ها، این دیالوگ‌های تریبون پرکن صداوسیمایی است. چیزی که در واقعیت در حوزه بخش خصوصی اتفاق می‌افتد این نیست. این حرف برای من به‌عنوان مدیر ارشد یک پلتفرم توهین‌آمیز است.»

معینی در ادامه با اجازه‌ای که از جمع می‌خواهد صریح‌تر صحبت کند و می‌گوید: «خانم مصباحی شما و آقای شانه‌ساززاده وقتی در دادگاه به مشکل برخورد می‌کنید با ما تماس می‌گیرید و کمک حقوقی می‌خواهید.» مصباحی می‌گوید: «من منکر این موضوع نیستم اما آیا تعریف شما از بسته حمایتی این است؟ اینکه ما کمک حقوقی می‌خواهیم؟» معینی می‌گوید: «درواقع هر جایی که کمکی خواستید، گفتید فلان نماینده شما فلان کار را برای ما بکند، یا این کار را برای ما انجام دهید.»

مصباحی با بیان اینکه از بخش حقوقی و محتوایی ساترا خیلی کمک گرفتیم، گفت: «یک جاهایی شاید حرف ما را نمی‌پذیرفتند. به‌عنوان بخش خصوصی بودیم و بخش دولتی بیشتر به ساترا اهمیت می‌داد. در بخش حقوقی، ممیزی و محتوایی به ما کمک کرده است. دوستان دیگر نیز کمک کردند ولی اسمش را بسته معیشتی نمی‌گذارم.»

معینی به این موضوع واکنش نشان داد و گفت: «کسی صحبت از بسته معیشتی نکرد!»

در ادامه یکی از دانشجویان با طرح سوالی گفت: «دوستان ابراز رضایت از کمرنگ‌تر شدن ضوابط در سال‌های اخیر می‌کنند و شما اشاره به بسته‌های حمایتی می‌کنید. این نشان از ترس رقابت دارد. یعنی بیشتر دنبال این هستید با این بسته‌های حمایتی و کمرنگ کردن ضوابط، مخاطبان حوزه خصوصی را تحت سیطره بگیرید و مخاطبانی که در حوزه تلویزیون از دست دادید را بازگردانید.»

ماجرای برخی از ممیزان ساترا در سال‌های گذشته

معینی در پاسخ به این سوال گفت: «اولا ممنونم که از بسته حمایتی استفاده کردید چون دوستان بد متوجه شدند. این حمایت‌ها در قالب حمایت مادی، غیرمادی، ارائه کمک‌های فنی، زیرساختی و... انواع مختلفی دارد که بسته به نیاز هر یک از پلتفرم‌ها ارائه می‌شود. اینکه شما می‌فرمایید از ضوابط عبور کردید درست نیست. شاید از رویه اجرای ضوابط در یک‌سال گذشته عدول شده است. به خاطر اینکه تا قبل از یک سال گذشته آثار و محتوایی که تولید می‌شد در اختیار یک‌سری کارگزار بخش خصوصی بود که عمدتا فعال این حوزه بودند و دوستان حتی هزینه پرداخت می‌کردند تا بازبینی آثار انجام شود.»

مصباحی به این صحبت‌های معینی که می‌رسد با اشاره به اینکه درباره این مساله حرف دارم، می‌گوید: «یک‌سری جملات تیتروار بیان نکنیم. همان کارگزارانی که بیان می‌کنید والله من به اندازه آقای سرتیپی سابقه ندارم، ولی یک نفر هم ندیدم. من از شب شیشه‌ای نویسنده صداوسیما بودم. واقعا کسانی نبودند که در این حوزه کار می‌کردند. آقای فرهمند در زمان ساترا کسانی را به ما معرفی می‌کرد که واقعا برخی از آنها اولین بار بود که با ممیزی سریال و سریال دیدن روبه‌رو می‌شد. اینکه می‌گوییم را درست بیان کنیم، همواره نگوییم ما همیشه کار خوب کردیم. ایرادات را بررسی کنیم.»

معینی با بیان اینکه ما اصل را بر این گذاشتیم که سرتاپا ایراد است و در مقام دفاع در این جلسه شرکت کردیم، گفت: «در جلسه دادگاه باشد محکم اجازه صحبت کردن می‌دهند و اینجا گفتم هر کسی هر سوالی دارد بپرسد تا پاسخ دهیم. نکته شما را نیز من می‌پذیرم. ابتدا خواهش می‌کنم اسامی افراد یا پلتفرم‌ها به واسطه اینکه مسئولیتی داشته باشند، یا راضی نباشند، بیان نشود. من مقید به رعایت این مساله هستم که اسمی از شخصی یا پلتفرمی برده نشود. نکته بعدی این است تغییر رویه‌ای که الان مشاهده می‌کنید به خاطر همین است. کمک دیگری که اتفاق افتاده، نه هزینه‌ای برای ممیزی گرفته می‌شود، ممیزی تخصصی‌تر و توسط افراد کاربلدتر انجام می‌شود. هیچ‌گاه از خط قرمزها عبور نشده است.

فرهنگ و مقوله محتوا مقوله‌ای است که درست است که توسط فردی انجام می‌شود و ممکن است سریالی از نظر فردی خوب و از نظر دیگری بد باشد، ولی یقین دارم خود آقای سرتیپی به گواه کارهایی که در دو سه دهه گذشته انجام دادند یا خانم مصباحی یا هر عزیز تهیه‌کننده دیگر، بیشتر از من که یک سابقه کمی در تلویزیون دارم، خط قرمزها را آشنایی دارند و رعایت می‌کنند. اینکه از خط قرمزها عدول کردیم را نمی‌پذیرم ولی اینکه شیوه اجرای خط قرمزها تغییر کرده درست است.»

سرتیپی می‌گوید: «خوشحالم که بحث حمایت‌ها (بخش حقوقی) به خانم مصباحی کمک کرده، به ما کمکی نکرده و دو بار ما را دادگاه بردند. خود دوستان شکایت کردند.»

مصباحی در جواب سرتیپی می‌گوید: «ما هنوز برای شبکه زنان متهم هستیم.» معینی از سرتیپی در مورد نتیجه دادگاه می‌پرسد و او می‌گوید: «تبرئه شدیم و اشتباه این بود بازیگری که ۶ ماه قبل در کار ما بازی کرده و از سوی تلویزیون ممنوع‌الکار شده را گفته‌اند چرا استفاده می‌کنید. ما ۶ ماه پیش با ایشان قرارداد بستیم و باید چه کار کنیم؟» معینی می‌گوید: «تولیدات خود صداوسیما هم دستخوش تغییرات است و باید این مسائل را رعایت کنیم.»

سرتیپی در جواب معینی می‌گوید: «تولیدات سازمان با بخش خصوصی که ۱۰ میلیارد هزینه کرده، فرق می‌کند. سازمان می‌تواند پول خود را در جوی بیندازد و بگوید مهم نیست. ولی برای ما که گفتیم این تایید است و حراست تایید کرده، بعد از فیلمبرداری ما توییتی زده و ممنوع‌الکار شده است. البته رویه جدید درست است.»

معینی با تایید صحبت‌های سرتیپی می‌گوید: «اگر بخواهم منصف باشم ایرادی که می‌گیرید درست است. من هم بخواهم آن طرف میز بنشینم و سرمایه‌گذاری کنم که بعد از ۶ ماه خودم را لحظه به لحظه با کنش جمعیت ۸۰-۷۰ نفره تحت‌تاثیر قرار بگیرد. این را در نظر داشته باشید که آن زمان که «تخت‌گاز» پخش می‌شد پربیننده‌ترین برنامه برودکست در کل دنیا بود. به جز کره‌شمالی همه کشورها نمایش دادند و جرمی براکسون شناخته‌شده‌ترین مجری-تهیه‌کننده دنیا بود. اما طی یک رفتار غیرحرفه‌ای اخراج شد.»

سرتیپی می‌گوید: «ولی نگفتند چیزی که ۶ ماه پیش ساختید را جمع کنید. گفتند از امروز نمی‌توانید کار کنید.» معینی می‌گوید: «این رویه‌ای است که در دنیا شناخته‌شده است و بالاخره این انتظار وجود دارد تهیه‌کننده در شروط قرارداد صرف‌نظر از تاریخ و...، افراد مسئولیت شخصی و حقوقی منافع و مصالح تیم تولید را بپذیرند.»

مصباحی بلافاصله بعد از صحبت‌های معینی می‌گوید: «کارگردان در خانه نشسته است و شب یک استوری می‌گذارد. مگر قبل از آن استوری گذاشتن به من زنگ می‌زند و بگوید من می‌خواهم استوری بگذارم؟»

سرتیپی هم ادامه می‌دهد: «ما اگر در سال ۱۰ سریال می‌سازیم و در هر سریالی با ۷۰-۶۰ نفر طرف هستیم، باید همیشه بدن ما بلرزد که نکند کسی حرفی بزند و کار روی هوا برود.»

دانشجویان می‌گویند در دنیا موضوعی داریم به‌عنوان قرارداد در حال شهرت. مصباحی می‌گوید: «در قراردادهای جدیدمان داریم ولی به آن قائل نیستند.» سرتیپی می‌گوید: «آقایی که با ما قرارداد این چنینی بسته و یک‌دفعه به اسپانیا می‌رود، چه کار می‌توانیم کنیم؟ ما همین موارد خاص را داریم. ایشان می‌گوید من قرارداد بستم و الان موافق نیستم. می‌خواهید زندان ببرید؟ ببرید. ما نمی‌توانیم کاری کنیم. می‌گوید اشتباه کردم چنین قراردادی بستم و نمی‌خواهم کار کنم. چه کار می‌توان کرد؟» دانشجویان می‌گویند: «خسارت بگیرید.» سرتیپی در جواب می‌گوید: «چه کسی بدهد؟ چطور بگیریم؟» یکی از دانشجویان می‌گوید: «آقای مهران مدیری n میلیارد از سازمان صداوسیما پول گرفته است برای دورهمی. اگر سازوکار درست باشد آقای مدیری باید خسارت را بپردازد.»

سرتیپی در تایید حرف‌های این دانشجو می‌گوید: «حرف شما درست است. منتها این صداوسیما می‌تواند کار مهران مدیری را کنار بگذارد و بگوید من از او شکایت می‌کنم و پول می‌گیرد. ولی ما به‌عنوان بخش خصوصی، کاری که تلاش می‌کنیم روی آنتن بیاید، ۱۰۰-۱۵۰ میلیارد هزینه کردیم و تمام ادامه و روند پلتفرم شما بستگی به این کارها دارد. آقای مهران مدیری این کار را کرده، من بخواهم کار را بخوابانم و دنبال این برویم که مهران مدیری را اگر خارج نرفته باشد، اگر فرار نکرده باشد، بیاورم، دادگاهی کنم و ثابت کنم و دادگاه حکم دهد که فلان میزان خسارت پرداخت کند. پیشنهاد ما این است که در نظارت به گذشته برنگردید. اگر امروز آقای مهران مدیری را تایید می‌کنید، اگر دو روز بعد و یک ماه یا یک سال بعد کار اشتباهی کرد به گذشته برنگردانید.»

یکی از دانشجویان می‌گوید: «این آنارشی به وجود نمی‌آورد؟ یک روز فرخ‌نژاد و یک روز مدیری می‌رود، یک روز فلان بازیگر می‌رود.» سرتیپی با بیان اینکه پیشنهاد شما برای ما چیست، می‌گوید: «فرض کنید ما با شما قراردادی می‌بندیم، حراست هم تایید می‌کند شما مدیر تولید ما باشید. من از کجا بدانم فردا شما قول و قرار گذاشتید که ۶ ماه بعد بروید؟»

دانشجویان از محکم بودن قرارداد شهرت می‌گویند و اینکه این قرارداد باعث می‌شود تا هنرمند جرات چنین جسارتی را نداشته باشد و کار را خراب کند. سرتیپی می‌گوید: «با خود ما جرات کردند. یکی از خانم‌ها در یکی از سریال‌ها تعهد داد، نامه نوشت، بعد گفت می‌خواهید با من چه کار کنید؟ ببرید اعدامم کنید! من این‌طوری هستم. گفتیم سه ماه پیش این را امضا کردید، گفت من همین هستم. من باید چه کار کنم؟ من قدرتی دارم که کاری کنم؟ من اگر کاری کنم یک مطلب می‌گذارد که فلانی اذیت می‌کند آبروی و حیثیت ما را می‌برد تا کسی با ما کار نکند.»

دانشجویان از حمایت حکمرانی می‌گویند تا خسارت برای پلتفرم‌ها در این موضوع جبران شود و سرتیپی با رد اینکه هیچ‌گونه حمایتی صورت نمی‌گیرد این را نشدنی می‌داند.

معینی: نقطه چالش ما برقراری تعادل بین اقتصاد و فرهنگ است

دوباره به بحث تنظیم‌گری ساترا برمی‌گردند و معینی می‌گوید: «اساس اینکه چرا صداوسیما رگولاتور شده است، این است که عمده فعالان در این حوزه با این بدنه در ارتباط هستند. در قانون اساسی این موضوع پیش‌بینی شده و نظریه تفصیلی که مجزا از هرگونه تکنولوژی در سال ۷۹ بود، هنوز صحبت VOD نبوده و این نظریه تفصیلی با توجه به استنتاجی که بعدا از شورای نگهبان انجام شد درخصوص VODها و شبکه‌های ماهواره‌ای طرح شد. هر تکنولوژی که یک روز ممکن است ماهواره باشد و یک روز VOD و یک روز ممکن است تکنولوژی دیگری باشد، باید در اختیار این حوزه قرار داشته باشد.

این هم پذیرفته شده که یک‌سری از فعالان باید کمک کنند و نیاز مخاطب را تامین کنند. رویه و پیشنهادی که برای این مساله پیش‌بینی شد بحث صدور مجوز، نظارت و تنظیم مقررات را با توجه به اینکه قانون اساسی مشخص کرده بود و باید رعایت می‌شد، آن را به کسی سپردند که مسئولیت این کار را به موجب قانون اساسی داشت. یعنی اگر بحث داریم چرا این کار را انجام می‌دهند، شاید این وظیفه به موجب نظریه تفصیلی شورای نگهبان در حکم قانون اساسی است و ۳۰-۴۰ نظریه تفصیلی بیشتر شورای نگهبان ندارد از زمان تصویب قانون اساسی. نظریه تفصیلی شورای نگهبان در حکم قانون اساسی است چون این الزام وجود داشت. اگر امروز بخواهیم همه با هم صحبت کنیم که کجا؟ ۲ یا ۳ پیشنهاد وجود دارد. یک سازمان فراحاکمیتی، مستقل و فراوجه خصوصی باشد ولی نمی‌توان همه خشت‌هایی که چیده شده را کنار بگذاریم و بگوییم در این چون نفع ایجاد می‌کند تغییر دهیم.

همچنین در خلال همه این صحبت‌هایی که انجام شد باید این را پذیرفت که حوزه فرهنگ متولی دارد. اینکه خوب یا بد اجرا می‌کند یک بحث دیگری است و اینکه متولی وزارت ارشاد، صداوسیما و سازمان تبلیغات است بحث دیگری است. همچنین فعالان این زیست‌بوم برای مقاصد تجاری عمدتا ورود می‌کنند، یعنی ارجحیت کاری که به نظر من در حوزه VODها انجام می‌شود مقاصد تجاری است. فرهنگ فرع بر مقاصد تجاری است. با سینمای گیشه مواجه بودیم. همان اتفاقی که در سینمای گیشه افتاد، در اینجا هم داریم. تعارض اصلی که امروز با آن مواجه هستیم، اولویت فرهنگ و اولویت اقتصاد است و باید حکمرانی و ذی‌نفعان آن را به نقطه تعادلی برسانند و این عرصه طوری تعریف شود که منفعت اقتصادی تامین باشد ولی حوزه فرهنگ نیز دستخوش تغییر و تحول نشود. خط‌قرمزهایی که تعریف شده را مناسب نمی‌دانم و از الزامات قانونی استفاده می‌کنم، تا کسی خط قرمزی فراتر از قانون مشخص نکند. قانون هم که توسط مجلس شورای اسلامی وضع شده است. یعنی نه وزارت ارشاد و نه صداوسیما و نه ذی‌نفعان دخیل نبوده‌اند و مجلس شورای اسلامی قانونی وضع کرده و ما مکلف به اجرای آن هستیم. برای همین اساس نقطه چالش ما برقراری تعادل بین اقتصاد و فرهنگ است. کما اینکه فرمودید چرا از ضوابط به نحو سختگیرانه عبور می‌کنید و با آن برخورد می‌کنید، شاید پرداختن به اولویت‌های اقتصادی بود. کما اینکه از بابت تعرفه‌ها امروز هماهنگی انجام شده و مقام مسئول قیمت‌گذاری سرویس‌هایی که پلتفرم‌ها دارند موضوع مهمی است و به این حوزه ورود می‌کنیم. درمورد مالیاتی که این سرویس‌ها با توجه به هزینه تامین شده کاربران می‌دهند، با دوستان وزارت اقتصاد تعامل خوبی انجام شده و ان‌شاءالله پیش‌بینی می‌شود درخصوص بحث مالیاتی که معافیتی دارند و آن ۳۸۰ پلتفرم ازجمله ۳-۲ بزرگوار بیشتر سعی می‌کنیم بحث اقتصادی را تشویق کنیم.»

سرتیپی می‌گوید: «برای مجوزی که به ما دادید معافیتی نداریم» و در ادامه مصباحی هم از معافیت نداشتن در حوزه مالیات صحبت می‌کند. یکی از دانشجویان در جواب معینی می‌گوید: «متولیان عرصه فرهنگ با پول مردم محتوا تولید می‌کنند، حتی اگر بخش خصوصی دچار اشتباهی باشد با بودجه شخصی است و من نمی‌توانم درباره آن اظهارنظر کنم، ولی شما با مالیات مردم برنامه می‌سازید و می‌گویید وزارت فرهنگ و... ساخته است. شما طوری گفتید وزارت فرهنگ و ارشاد متولی است، انگار ما در جایگاهی نیستیم که بخواهیم نظری بدهیم.» او حرف‌های این دانشجو را درست می‌داند و می‌گوید: «حرف شما کاملا درست است، متولیان حوزه فرهنگ از بودجه عمومی فعالیت می‌کنند. هیچ منتی بر سر مردم نیست و من معتقدم در جاهایی بد وظیفه خود را انجام می‌دهند، این کار پذیرفته است.»

۳۸۸ پلتفرم داریم که هنوز شناخته نشده‌اند

در ادامه این نشست محمدمهدی مومنی‌ها، مدیرکل توسعه شبکه تنظیم‌گران اجتماعی ساترا خطاب به مصباحی گفت: «خانم مصباحی فرمودند که از سال ۷۵ فعالیت‌شان را شروع کرده‌اند، من هم از همان سال فعالیتم را در صداوسیما آغاز کرده‌ام. توفیق داشتم نویسندگی، کارگردانی، تهیه‌کنندگی انجام دادم و دغدغه همکارانم را در اینجا متوجه می‌شوم و می‌دانم که چه مشکلاتی دارند و با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستند و موضوعات آنها قابل‌درک است.»

از ابتدا که وارد سازمان صداوسیما شدیم، اسم جناب سرتیپی را شنیدیم که به‌عنوان یک استاد در حوزه کار فیلمسازی فعالیت می‌کرد و اولین کارهای ایشان سریال «پائیزان» بود که من در آن زمان کودک بودم و تمام قسمت‌ها را دیدم. کارهای ایشان ارزشمند است و انصافا هم همکاری خوبی با مجموعه ساترا داشت. من در دوره جدید مدیریت ساترا به مجموعه پیوستم و همیشه از ایشان به نیکی یاد شده و همکاری ایشان قابل‌تحسین است. ما هم در مجموعه ساترا، غیر از دو، سه پلتفرم اصلی که همه با آن آشنا هستند ۳۸۸ پلتفرم دیگر هم داریم. انصافا برنامه ساترا این است که درکنار بحث نظارت بحث حمایتی را هم داشته باشد. ما برنامه‌ای به نام «صمیمانه» ساخته‌ایم که هر هفته یک پلتفرم را معرفی می‌کنیم و ان‌شاءالله قرار است در شبکه دو و پنج سیما به نمایش درآید و در فضای مجازی هم پخش می‌شود. این امر جزء برنامه‌های ماست که بتوانیم تعامل خوبی با همه پلتفرم‌ها داشته باشیم. ما سامانه‌ای به نام ساپرا داریم که مردم انتقادها و پیشنهادها و نقطه‌نظرات خود را درباره محتوای فضای مجازی به‌خصوص آنهایی که در پلتفرم‌های اصلی تولیدشده را با ما درمیان می‌گذارند. مردم ما دقیق هستند و بحث تنظیم‌گری را به‌صورت موشکافانه بررسی می‌کنند و خیلی از مسائلی را که ما نمی‌بینیم، می‌بینند و برایشان دغدغه است، به‌خصوص فعالیت‌ها و تولیداتی که در حوزه کودک‌ونوجوان انجام می‌شود. این مسائل برای مردم دغدغه است و ما هم به‌دنبال این هستیم که اینترنت پاک داشته باشند. الحمدلله با اقداماتی که انجام شده، همان‌طور که خانم مصباحی اشاره داشتند خود پلتفرم‌ها هم در تولیدات‌شان تنظیم‌گری را مدنظر دارند و عملا کارها بهتر از سابق انجام می‌شود. به‌هرحال وجود برخی مشکلات قابل اغماض است و می‌توان با یک همکاری خوب موارد را رفع کرد.»

مجموعه ساترا هم نگاه تعاملی دارد و می‌داند هزینه‌های زیادی برای تولید سریال‌ها انجام می‌شود و قاعدتا اگر بعد اقتصادی را هم بخواهیم درنظر بگیریم، نگاه این است که برای مجموعه سودی داشته باشد. نگاه حاکم این است که کمترین حذفیات را داشته باشد و بیشتر آن هم در بعد قبل از تولید صورت بگیرد که اگر دغدغه‌ای است مطرح شود و بعد از تولید با توجه به هزینه‌هایی که می‌شود کمترین موضوعات اصلاحی وجود داشته باشد.»

خیلی از پلتفرم‌ها از لحاظ تعداد مخاطب کمتر هستند و به‌دنبال این هستیم آنها را حمایت کنیم. این حمایت‌ها مختلف است. در بحث محتواهایی که در رسانه ملی تولید شده، خیلی از اینها علاقه‌مند هستند که این محتوا را داشته باشند. مسئولان پلتفرم‌ها اشاره می‌کنند محتواها و سریال‌هایی که در صداوسیما تولید شده را در پلتفرم‌شان قرار دهند و این موضوع باعث شده تا بهتر دیده شوند. برخی از آنها هم که از طریق گرافیک یا موضوعات دیگری کسب درآمد می‌کنند، درآمدزایی داشته باشند. پلتفرم‌های اصلی شاید به این موضوع نیاز نداشته باشند و تولید محتوای کافی و قوی دارند ولی ما فقط سه، چهار پلتفرم اصلی را نمی‌بینیم. برخی پلتفرم‌ها استانی هستند و در استان خود فعالیت و تولید محتوا می‌کنند و برخی پلتفرم‌ها در حوزه مستند هستند. حوزه‌های مختلفی اعم از ورزشی و... وجود دارند. ساترا در دوره مدیریت جدید نگاه حمایتی دارد و قاعدتا به‌دنبال این است که چالش‌ها، مشکلات و دغدغه‌هایی که مسئولان پلتفرم‌ها دارند به حداقل برسد و بتوانیم تعاملی خوب و سازنده داشته باشیم.»

ساترا نگاه رقابتی به پلتفرم‌ها نداشته باشد

سرتیپی در ادامه گفت‌وگو با اشاره به بحثی درباره وضعیت حقوقی و قانونی ساترا گفت: «موضوع این است که ما درحال‌حاضر توافق کرده‌ایم ساترا تنظیم‌گر است و باید با آن

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۱۴

همکاری کنیم. این را پلتفرم فیلم‌نت قبول کرده و الان فقط از دوستان‌مان در ساترا می‌خواهیم نگاه رقابتی به ما نداشته باشند و با ما همکاری کنند. ما به‌عنوان بخش خصوصی در این نظام مشغول به کار هستیم. تمام تلاش‌مان این است که بتوانیم هم کار فرهنگی و هم اقتصادی انجام دهیم. قطعا برای ما اقتصاد مهم است. وقتی می‌بینیم کشورهایی مثل کره، ترکیه و چین چقدر در این حوزه ارزآوری می‌کنند دل‌مان می‌سوزد، چون ما بضاعت زیادی داریم. چند مورد است که در دنیا، ایرانی‌ها آن را دوست دارند و با آن ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند. یکی از آنها پسته، دیگری فرش و فیلم‌های ما یکی دیگر از اینهاست. ما بهترین فیلم‌های آمریکایی را در سینماها می‌گذاریم و مردم استقبال نمی‌کنند. ارتباط و حسی که نسبت به فیلم‌های ایرانی دارند بسیار بهتر از کارهایی است که از غرب می‌آید. ما درکنار سریال‌های ایرانی که پخش می‌کنیم، بهترین سریال‌های روز دنیا را دوبله یا زیرنویس می‌کنیم و در پلتفرم قرار می‌دهیم و بعضی از آنها بدون هیچ سانسوری است ولی اگر سریال ایرانی یک‌میلیون ویو بخورد، سریال خارجی ۱۵ هزار ویو می‌خورد. با اینکه پول این پرداخت شده و هر یوزری می‌تواند مشاهده و استفاده کند.

این مهم است که این موقعیت را از دست ندهیم و علاقه مردم به سریال‌های ایرانی را به بازار نبازیم. گرچه برخی را باختیم؛ به جم باختیم، به سریال‌های نیکاراگوئه و اروگوئه باخته‌ایم. ده‌ها سریالی که می‌آیند و خانواده‌ها را هدف قرار می‌دهند، ما به اینها باخته‌ایم. این صحبت‌ها را می‌کنم به این دلیل که ریشه من سینماست. الان در سینمای ایران قیمت بلیت را درنظر بگیرید حدود ۶۰ هزار تومان است که در آمریکا و اروپا ۱۳-۱۲ دلار است و در ایران یک‌دلار. ارزان‌ترین چیزی که الان وجود دارد تا یک خانواده تفریح سه، چهار ساعته داشته باشد، این است که در مجتمعی دور بزند و فیلمی ببیند. در این شرایط از سینما ارزان‌تر داریم؟ باعث نشویم که این تفریح از بین برود. این حداقل‌ها را از بین نبریم. جامعه تهیدست، فقیر و متوسط ما تفریح‌شان را از دست داده‌اند. مسافرت رفتن گران شده، کتاب خریدن گران شده. کاری نکنیم تفریح ارزان هم از دست برود. کاری نکنیم مردمی که در خانه می‌نشینند و سریال‌های ایرانی را می‌بینند منصرف شوند. با کج‌اندیشی و خودخواهی سنگ‌اندازی نکنیم، زیرا از دست دادن اینها به این معناست که فرهنگ بیگانه وارد شود. ما بابت فیلم‌ها سفرهای زیادی رفته‌ایم. با عطاران سر فیلم «ورود آقایان ممنوع» رفته بودیم که من تهیه‌کننده آن بودم، در انگلیس آنقدر مردم لطف می‌کردند و ما و ایران را می‌شناختند که عطاران می‌گفت در اینجا از تهران بیشتر مرا می‌شناسند. هفت، هشت میلیون ایرانی آن‌ور آب داریم که فرهنگ اینها را از دست ندهیم و اجازه دهیم با فرهنگ ما کار کنند. بیشترین درخواست را از ایرانی‌های خارج از کشور داریم که شرایط را برایمان فراهم کنند تا بتوانیم سریال‌های ایرانی را به‌خوبی ببینیم. حالا که بخش خصوصی به هر شکل و دلیلی وسط آمده و کارهایی می‌کند، کاری کنید این فضا مساعد باشد. ما می‌توانیم به جهان صادر کنیم. ما دوره‌های درخشانی داشته‌ایم که موفق شدیم بهترین فیلم‌های سینمایی دنیا را بسازیم، با آن همه امکاناتی که در خارج از ایران بوده توانستیم کن را بگیریم و در تمام دنیا سینمای ایران را مطرح کنیم، در سریال‌ها هم همین‌طور است. کمک کنیم تا این اتفاق بیفتد.»

آنجا که نیاز به حمایت داشتیم خبری از ساترا نبود

مصباحی در ادامه درباره فعالیتش در نماوا گفت: «در این سه‌سال که در نماوا هستم و با صنعت VOD سر و کله می‌زنم، دوستان اشاره‌ای کردند، این را کاملا درددلی بیان می‌کنم که نماوا آمد تا در صنعت سینما سرمایه‌گذاری کند. «جنگ جهانی سوم» را ساخت. تا امروز یک نفر از ساترا به ما زنگ نزده که بگوید این سریال‌ها را که رسما ۵۰ دقیقه بعدش در ماهواره پخش می‌شود، پیگیری کنیم و ببینیم دلیلش چیست. یا اینکه در تلگرام پخش می‌شود دنبال کنیم ببینیم چطور این اتفاق می‌افتد. جنگ جهانی سوم توانست دو جایزه ونیز را کسب کند. اولین تجربه نماوا در حوزه فیلمسازی بود و می‌خواست تجربه کند که چه خبر است. نتفلیکس چهار فیلم داشت. نماوا یک فیلم داشت و ما دو جایزه ونیز را دریافت کردیم و نتفیلیکس جایزه‌ای نگرفت. اما صحبتم درباره بخش حقوقی ساتراست، بخش حقوقی تنظیم‌گر یک‌بار ما را دعوت نکرد که جلوی این داستان را با هم بگیریم. چرا در این بخش‌های اصلی سراغ همدیگر را نمی‌گیریم؟ ما سریال را پخش می‌کنیم و ۴۵ دقیقه بعد تمام تلگرام و صفحاتی که قابل‌پیگیری است که برای چه کسانی هستند، کل سریال را به‌صورت غیرقانونی پخش می‌کنند. اینجا نهاد قانون‌گذار و حکمرانی باید به داد ما برسد. واقعا این‌طور مواقع است که می‌توانم احساس همدلی کنم که بگویم حواس‌شان به بخش خصوصی است. من، مدیر منصوب‌شده در حوزه پلتفرم‌ها هستم. برای من سوال است. دم آقای شانه‌ساز و دوستان گرم که این‌طور فعالیت می‌کنند. پیشینه نماوا مشخص است که شاتل است، یعنی بحث شرکت مشخص است از کجا پول دریافت می‌کند و بحث پولشویی ندارد. سر «قورباغه» ما را همه‌جا بردند، یعنی با نهادی نبود که نفهمیم نظارت ندارد. کم مانده بود که کشتیرانی بگوید نظارت نکردیم. واقعا همه حساب‌های شاتل و نماوا را بالا و پایین کردند که مشکلی ایجاد کنند ولی چیزی پیدا نکردند. این را از من به‌عنوان مدیر پلتفرم جدی در حوزه پلتفرم‌ها بپذیرید که در این مواقع باید به‌درد هم بخوریم، نه اینکه ایراد بگیرند گردن خانم شبنم مقدمی در سریال «خاتون» دیده شده است. این ممیزی‌ها را داشته‌ایم. واقعا اینکه بخواهیم از این مسائل حرف بزنیم دل‌مان خیلی پر است ولی کلان‌تر درباره این قضیه با همدیگر صحبت کنیم.»

هر کاری بتوانیم برای حمایت از پلتفرم‌ها می‌کنیم

معینی در ادامه نشست و در پاسخ به صحبت‌های سرتیپی و مصباحی گفت: «از غیرقانونی بودن ساترا شروع کردیم و الان به درخواست حمایت از ساترا رسیدیم. باید مسائل طوری باشد که در بسته حمایتی بگنجد و دوستان مشکلات را مطرح کنند و قطعا ما کمک می‌کنیم. ما به‌واسطه مراجعاتی که در این حوزه داریم، می‌دانیم که خیلی از این کانال‌ها شناخته شده و خیلی در حوزه حقوق کپی‌رایت است و می‌توانیم کمک کنیم. مکانیسم داوری و حل‌وفصل اختلاف آنلاین را داریم و فکر نشود ساترا مراجعه نکرده است. یا بحث نظام ثبت آثار را داریم که بعدها برای خیلی از اتفاقاتی که در پلتفرم‌ها می‌افتد این سازوکارها وجود دارد و پیش‌بینی شده است؛ نه‌تنها در بحث پلتفرم‌ها بلکه برای هر ذی‌نفعی؛ چه تهیه‌کننده چه نویسنده. ما انتظار نداریم نویسنده‌ای که در شهرستان است با تسلط آدمی که پنج‌بار به دادسرای فرهنگ و رسانه رفته درباره مالکیت آثار اقدام کند. اینها جزء کمک‌هایی است که انجام می‌شود و دوستان هم قطعا این آمادگی را دارند. اگر بدانیم در جایی می‌توانیم موثر باشیم، چه حضوری و چه غیرحضوری، تا جایی که در اختیار من باشد، کمافی‌السابق در خدمت دوستان هستیم.»

سرتیپی (با لحن شوخی) گفت: «پس ما تلفن‌تان را بگیریم و با شما در ارتباط باشیم.»

بزرگ‌ترین مشکل آینده نامعلوم پلتفرم‌هاست

ابراهیمی‌نژاد در ادامه نشست با طرح سوالی گفت: «اگر بخواهیم برای چند لحظه نهاد تنظیم‌گر را در صنعت VOD کنار بگذاریم، خود صنعت چه مسائل و مشکلاتی دارد؟ مثلا بحث‌های رقابت دارد یا شاهد رفتارهای ضدرقابتی هستیم در صنعت؟ این هم از زوایایی است که خوب است باز شود که مربوط به مسائل خود VODهاست. نکته دیگر اینکه موضوع مطرح برای من این است که مثلا می‌بینیم در کشوری همچون انگلیس درعین‌حال که نتفیلیکس، آمازون و... حاضر هستند، اما در بی‌بی‌سی آی‌پلیر هم فعالیت می‌کند. آیا ناظر به شرایط خود ورود صداوسیما به حوزه تولید محتوای آنلاین مفید است؟»

سرتیپی در پاسخ به این سوال گفت: «مشکلات VODها به‌دلیل اینکه نوپا بودنش بسیار زیاد است یعنی اصلی‌ترین مساله هم این است که نمی‌دانیم آینده‌مان چه خواهد شد. نمی‌دانم ۶ ماه یا یک‌سال دیگر جامعه و مسئولان چطور فکر و تصمیم‌گیری می‌کنند و ما باید برای یکی دو سال بعد کار می‌کنیم و این چالشی است که با آن درگیر هستیم. ولی در ایران، آینده VODها را به‌دلایل زیادی نمی‌دانیم. صداوسیما به‌لحاظ تولید محتوا فشل است و آن چیزی که باید الان داشته باشد ندارد. دوست داریم یک صداوسیمای قوی داشته باشیم ولی متاسفانه این‌طور نیست. VODها در ایران می‌توانند کارکرد مثبت و اقتصادی داشته باشند. اگر ۳ پلتفرم دو میلیون یوزر دارند به‌لحاظ جهانی با توجه به سطح اینترنت و وضعیت یوزرها در ایران، فکر کنم تا ۱۰ میلیون توانایی اینکه یوزر داشته باشیم را داریم و آینده‌اش را هم بسیار خوب می‌بینیم. اینکه تلویزیون ورود پیدا کند و خود پلتفرم داشته باشد ما را نگران نمی‌کند. در پلتفرم‌های نمایش و در تمام دنیا مثلا در آمریکا ۱۵-۱۰ پلتفرم وجود دارد و برخی مواقع شانه‌به‌شانه هم جلو می‌روند، به‌دلیل اینکه حرف اصلی را آنجا کانتکس می‌زند. یکباره می‌بینیم کاری مثل «قورباغه» سطح جایی مثل فیلیمو و فیلم‌نت را برابر می‌کند یا «پوست شیر» فیلم‌نت را یک‌دفعه بالا می‌آورد. درنتیجه خیلی اینکه بگوییم باید یک مورد یا دو مورد باشد و رقابت بیشتر می‌شود، این‌طور نیست. این‌هم که ۳۸۰ مجوز بدهیم شوخی است یعنی بازار ندارد. ولیکن ۵-۴ پلتفرم می‌توانند شانه‌به‌شانه هم بالا بروند و با هم رقابت کنند. ان‌شاءالله رقابت سالم باشد یعنی سیاست در آن تاثیر‌گذار نباشد. به این نتیجه رسیدیم که نظام این خرد را پیدا کرده ما پلتفرم‌ها به‌نفع نظام هستیم. امیدواریم حمایت شویم، ما نه یک ریال پول و نه یک ریال وام می‌خواهیم. فقط می‌خواهیم اجازه دهند کار کنیم، خط قرمزها را خوب می‌شناسیم. من ۶-۵ سال قبل از «پائیزان» هم کار کردم. ما آدم‌هایی هستیم که می‌شناسیم و می‌دانیم با چه چیزی طرف هستیم. خط قرمزها و شرایط را می‌شناسیم. قدری به ما اجازه دهند دست‌های ما بازتر باشد و تحمل کنند. کمک کنند بتوانیم جلو برویم.»

مشکل این است بدون وجود حوزه تنظیم‌گر پلتفرم‌ها فعال شدند

خبرنگار روزنامه پیوست از مدیران ساترا پرسید: «فکر می‌کنید جدای از اینکه حق با چه کسی است، چرا این میزان پلتفرم‌ها با شما بد هستند؟»

معینی در پاسخ به او گفت: «من همیشه تلاش داشتم طرف ناحق نایستم. فکر می‌کنم صحبت من حق است. در بقیه حوزه‌های تنظیم‌گری، اول تنظیم‌گری ایجاد شده و بعد فعالان و بازیگران آن حوزه ورود کردند، در این حوزه این‌طور نبوده است. یک‌سری بازیگر و ذی‌نفع بودند که بعضا منافع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... آنها را وارد این حوزه کرده است. اینکه از منافع صحبت می‌کنیم تنها بُعد بد آن نیست، این تنظیم‌گر زمانی به‌وجود آمد که یک‌سری فعال و قانون‌گریز که ترجیح می‌دهند قانونی برای خود وضع نکنند و وقتی جامعه‌ای ایجاد می‌شود و روابط بین انسان‌ها تعریف می‌شود تفاوت هنجار اخلاقی و قانون را بحث می‌کنیم، یکی دو ذی‌نفع انحصاری در این حوزه کار می‌کنند و کسی می‌خواهد اینها را محدود کند تا جا برای فعالیت بقیه باز شود و اتفاقا می‌آیند و بزرگ هم می‌شوند. نمی‌گویم وجود امروز یک‌سری از پلتفرم‌ها روی ساترا تاثیرگذار بوده است. یک‌سری محدودیت‌ها و مقرراتی بود که همواره محدود به تولید محتوا شده، مباحث اقتصادی، مباحث امنیت داده و حریم خصوصی وجود دارد. قسمتی از تجارتی که حول این پلتفرم‌ها می‌تواند شکل گیرد و نمی‌دانم الان وجود دارد یا خیر، لزوما به این معنی نیست که الان این اتفاق می‌افتد، تجارتی است که با داده مخاطب و کاربر کار می‌کند و مرسوم و معمول است. درمورد اینکه حریم خصوصی باید چطور رعایت شود و موضوعات اینچنینی ورود نشده و صرفا محتوا بوده و اولویت هم محتوا بوده است. تفاوت این دو حوزه را در این می‌بینم که ابتدا قوانین تنظیم شده و بعد ذی‌نفعان مجوز گرفتند، اینجا ذی‌نفعان نقش خود را ایفا می‌کردند و بعد گفته شد به‌خاطر روابطی که وجود دارد باید تنظیم‌گری اتفاق افتد. این تقدم و تاخر حضور ذی‌نفع و رگولاتور را می‌توان موثر دانست.»

مصباحی در پاسخ به او گفت: «از به‌نام‌زنی ساترا برای بزرگ شدن حوزه پلتفرم‌ها باید به‌عنوان بزرگ‌ترین به‌نام‌زنی تاریخ نام برد. اینکه می‌گویند پلتفرم بزرگ شد و دلیل آن وجود ساترا بود، ما با آغوش باز پذیرفتیم و تبریک می‌گوییم. البته ما ۴۰-۳۰ درصد کوچ مخاطب در حوزه VOD داریم، همان‌طور که آقای سرتیپی بیان کردند با آمدن محتوای پربازدید در هر پلتفرمی کوچ می‌کنند. به‌لحاظ اقتصادی در سبد خرید امکان خرید دو پلتفرم وجود ندارد. اگر نماوا یک محتوایی را می‌آورد که به‌روزتر است و جامعه با آن همسو شده و بیشتر دوست دارد، مخاطب نماوا بالا می‌آید. همین‌طور در مورد فیلم‌نت و فیلیمو. علاوه‌بر مخاطب وفادار هر پلتفرمی ۴۰-۳۰ درصد مخاطب درحال گردش هستند. این به این معناست که مثلا پوست شیر می‌آید و سریال موفق روز می‌شود، آن ۴۰-۳۰ درصد را به‌سمت خود می‌کشد.»

معینی با بیان اینکه بین پلتفرم‌ها اختلاف وجود دارد، گفت: «شما خودتان تا قبل از ورود فیلم‌نت به‌صورت انحصاری بازار را در اختیار داشتید و اجازه ورود هیچ بازیگری را نمی‌دادید.»

مصباحی در پاسخ به او گفت: «ما هیچ‌گاه انحصاری نبودیم. من این را تکذیب می‌کنم. اینها صحبت‌هایی است که ساترا بیان می‌کند تا حالش بهتر باشد. یعنی اینکه پلتفرم‌های حوزه خصوصی با هم مشکل داشته باشند به‌نفع ساترا است. این بحث را تکذیب می‌کنم.»

معینی می‌گوید: «ما اطلاعات غلط به مخاطب نمی‌دهیم. شما در «روزی روزگاری مریخ» با پلتفرم اختلاف نداشتید؟»

مصباحی با بیان اینکه من شفاف صحبت می‌کنم، گفت: «اختلاف وجود داشت. در ۳ محتوا با فیلیمو مشکل داشتیم. از کلام من مشخص است که با صداقت صحبت می‌کنم یا خیر. یک قرارداد تولید محتوای مشترک بین فیلیمو و نماوا بود، که حداقل از دو سال و ۸ ماه پیش این قرارداد برداشته شد و ۴ محتوا که «آکتور»، روزی روزگاری مریخ، محتوای آقای سروش صحت که هنوز منتشر نشده است و یک محتوای دیگر که به یاد ندارم، مشترک بود و باید با هم پخش می‌کردیم. ولی از قورباغه به بعد نماوا به‌صورت اختصاصی محتوای خود را پخش کرد و فیلیمو هم محتوای خود را پخش کرد. اختلاف داشتیم. شرکتی بود که این کار را انجام می‌داد. آن شرکت طرف قرارداد با فیلیمو و نماوا در پرداخت‌ها و مسائل حقوقی و ممیزی و مسائل مختلف اختلاف‌سلیقه در اجرا داشتیم. از اینها نمی‌گذرم. اینکه ایجاد پلتفرم سوم ما را ناراحت کرده درست نیست و نماوا از این قضیه استقبال می‌کند.»

معینی در پاسخ به این صحبت‌ها گفت: «نمی‌توانم درباره حس شما درخصوص پلتفرم سوم قضاوتی داشته باشم چون جای شما نبودم و نمی‌خواهم سوگیرانه به این موضوع نگاه کنم ولی آن ازدواج که این دو پلتفرم داشتند و دو سال و ۸ ماه از آن گذشته است، من به این ازدواج کار دارم که در بازار رقابت و عالم حقوق به این نقض حقوق مصرف‌کننده و جمع کردن بازار گفته می‌شود. یک نهاد تنظیم‌گری باید وجود می‌داشت.»

مصباحی با بیان اینکه ما اصلا نمی‌توانستیم از حضور پلتفرم سوم جلوگیری کنیم، گفت: «از ابتدای راه‌اندازی فیلم‌نت قرار بود با هم محتوای مشترک تولید کنیم و قراردادی که با فیلیمو داشتیم قرار بود با فیلم‌نت اتفاق افتد. این حرف به‌نظر من بیشتر اوهام و خیال است. بخش خصوصی با هم رقابت دارد. رقابت سالم، رقابت اقتصادی، رقابت جذب مخاطب دارد. من می‌توانم حرف شما را در یک جاهایی قبول کنم که ممکن است در نماوا، فیلیمو و فیلم‌نت وجود دارد، ولی اینکه بگوییم انحصار ایجاد شد و فرد دیگری نباید درست نیست، چون کس دیگری نساخت. باید التماس کنیم محتوا بسازند که ما از انحصار خارج شویم؟ مگر ما نهادی بودیم که بتوانیم جلوی آن را بگیریم؟»

معینی گفت: «بهتر است مغلطه نکنیم. مگر چند تهیه‌کننده و کارگردان داریم؟ وقتی ازدواج سابق نماوا و فیلیمو ۱۰ قرارداد با ۱۰ کارگردان و ۱۰ تهیه‌کننده برتر می‌بندند، طبیعی است، چون منفعت اقتصادی دارد. وقتی شما از بازیگر تاپ استفاده می‌کنید، نمی‌خواهم وارد مصداق شوم چون صلاح نمی‌دانم، براساس امانتداری اطلاعاتی که در اختیار دارم این اجازه را ندارم و کلی و با عباراتی که دوستان بفهمند قضیه چیست بیان می‌کنم. شما یک تعداد بازیگر محدود در این مارکت دارید که گیشه دست آنهاست. اتفاق آقای سرتیپی و کاری که فیلم‌نت انجام داد و اینکه با چه انگیزه و ریسک و با چه قدرت تحلیلی ورود کند خیلی صلاح نیست بیان شود، ولی اتفاق فیلم‌نت را اتفاقی استثنایی در حوزه صنعت فیلم می‌دانم و این را جرات کسی می‌دانم که فیلم‌نت را گرفته است. اگر این پلتفرم نیامده بود دو پلتفرم بودند که همه قراردادها، بازیگران، تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌ها را در اختیار داشتند.»

وی افزود: «این اقدام در عالم حقوق خلاف حقوق مصرف‌کننده است. مثل این است که ایران‌خودرو و سایپا با همدیگر ازدواج کنند و بگویند به‌هم نان قرض می‌دهیم و هر خودروسازی بیاید فقط یا پراید یا وانت‌پیکان تولید شود. اینکه بگویید از شارژر من استفاده کنید یا از دستگاه من فقط استفاده کنید رویه اشتباهی است. همه اینها منافع مصرف‌کننده را نقض می‌کند.»

امیدوارم ساترا فشار کمتری به ما وارد کند

یکی دیگر از دانشجویان سوالی درباره اینکه VOD برای آینده برای مخاطب چه برنامه‌ای دارد، پرسید و گفت: «اگر قرار است مثل جم فقط تکرار داشته باشد، خوب نیست. باید از این سرمایه استفاده کرد. هم اقتصاد کشور درگیر است و هم فرهنگ‌سازی. اگر محتوا را لازم است ساترا کمک کند یا از ظرفیت بچه‌های دانشگاهی استفاده شود و اگر تعامل بیشتر شود شاهد خروجی بهتری هستیم.»

سرتیپی با بیان اینکه من متوجه نشدم سوال بود یا توصیه، گفت: «اگر این اتفاق بیفتد خوب می‌شود. امیدواریم از این حاشیه‌ها کم شود و تمام فکر ما این نباشد که فلان پلان چطور شد. مشکلات شبانه‌روز ما این بوده است. دوره‌ای یک هفته‌ای بدن من از شدت استرس و فشار روحی سر یک‌سری کارها تاول زد، یعنی این میزان تحت فشار بودیم. ما الان واقعا برنامه داریم؛ اینکه در تمام ایران با کمترین هزینه اشتراک بگیریم و از امکانات پلتفرم استفاده شود. برنامه‌ریزی می‌کنیم تا بتوانیم چیزهایی را بسازیم و تولید کنیم که برای طبقات مختلف جامعه مفید باشد و تمام هدف ما همین است. برد ما در این است که به این سمت حرکت کنیم، فقط امیدواریم این فشارها کم شود تا وقت اجرا و فکر کردن و پرداختن به کارهای بزرگ‌تر را بدهد.

ان‌شاءالله دوستان از ما شکایت نمی‌کنند که مجبور شویم دادگاه برویم و قول می‌دهیم یکی دو سال آینده به‌شرط حیات از ما دعوت کنید و از شکوفا شدن صنعت پلتفرم در ایران و صادرات خود و ساخت برنامه برای ایرانی‌های خارج از کشور صحبت کنیم. ما کاری می‌سازیم که از هفته بعد برای نمایش می‌آید، ما بزرگ‌ترین خدمت را به جامعه بابت این کارها کرده‌ایم. یعنی برای آدم‌هایی که غرب و دنیا برای آنها آمال و آرزو است و فکر می‌کنند آن طرف دنیا چه خبر است با زبان ساده و با پول خود و با هزینه خود یک کاری ساختیم که بگوییم این خبرها نیست. درست بگوییم، نه اینکه شعاری یا حرف اشتباه بزنیم. این‌طور نیست که هیچ‌خبری نباشد ولی آن‌طور که نشان می‌دهند هم نیست. اگر از دوران گذر عبور کنیم پلتفرم‌ها شکوفایی خوبی خواهند داشت. پلتفرم‌ها در ذات رقیب هستند و باید با هم چالش داشته باشند تا بازیگر و کارگردان را جذب کنند. مشکل داریم و همه این مسائل وجود دارد ولی تلاش این است که بتوانیم کارهای خوب ارائه دهیم اگر کار خوب انجام ندهیم یوزر می‌سوزد، اگر کار درست انجام ندهیم یوزر می‌ریزد. اگر کار باکیفیت نداشته باشیم یوزر می‌ریزد. با قشری در این عرصه مواجه هستیم که مثل تلویزیون نیست که تلویزیون را روشن کند و یک برنامه‌ای را همین‌طور ببیند. با قشری طرف هستیم که تحصیلکرده است و باید وارد موبایل شود و بخرد و وارد تلویزیون شود و بتواند برنامه بیاورد، یعنی از یک حدی گذشته است و با دنیا در ارتباط است. درنتیجه کار ما سخت است. کار ما حتی کار سینما نیست. از سینما خیلی سخت‌تر است. باید سریال‌ها و فیلم‌هایی با کیفیت بالاتر تهیه کنیم. ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم ماهواره شویم. ماهواره هم همین‌طور است که روشنش می‌کنند و همین‌طور برنامه‌ای را نگاه می‌کنند. ما این‌طور نمی‌توانیم کار کنیم و سرلوحه کار ما این است که کار باکیفیت و کاری که برای قشر جوان است، تهیه کنیم. این قشر تحصیلکرده و فهیم است که به‌خوبی می‌فهمد. در نتیجه ما کار سختی داریم. امیدواریم از پس این کار بربیاییم.»

مومنی‌ها در پایان نشست گفت: «به‌عنوان نکته پایانی بیان کنم بحثی پیش آمد که گفتند بخش خصوصی و پلتفرم‌ها را در حوزه تنظیم‌گری فعالیت‌های ساترا دخالت دهیم. ما مجمع رسانه‌های صوتی و تصویری را در این ماه تشکیل دادیم که با حضور پلتفرم‌هاست و آنها گروهی تشکیل دادند و شورای عالی تشکیل شده و قرار است در آینده تصمیم‌گیری‌هایی که صورت می‌گیرد با حضور نماینده پلتفرم باشد که این موضوع نوید‌بخش اتفاقات خوب در حوزه صوت و تصویر فراگیر است.»